

Global Networks of States and Transformation of the Function of the State: Testing Anne-Marie Slaughter's Theory

Hosein Salimi * 

Professor, Department of International
Relations, Allameh Tabataba'i University,
Tehran, Iran

Received: 17/10/2024

Accepted: 14/12/2024

ISSN:2476-2806

eISSN:2476-6828

Extended Abstract

Introduction

Although the study of politics has expanded beyond the examination of the state as an institution to encompass all aspects of social life, the nature and function of the state remain central to discussions in this historically significant field. This is especially true as ongoing and fundamental changes in society and global relations have reshaped the state's functions and perceptions. States continue to represent the most important social institution in the human world. The primary question facing social and political scientists is whether the transformation of global relations will lead to the elimination or alteration of the state. Some theorists of international relations, particularly realists, argue

* Corresponding Author: Salimi@atu.ac.ir

How to Cite: Salimi, H. (2024). Global Networks of States and Transformation of the Function of State; Testing the Theory of Anne-Marie Slaughter. *State Studies*, 10(40), 1 - 32. doi: [10.22054/tssq.2025.82957.1592](https://doi.org/10.22054/tssq.2025.82957.1592).

that the state will neither disappear nor undergo a fundamental shift in its core functions. According to this view, the state of the world and international relations remain fundamentally unchanged, with states continuing to be the principal actors in international relations. Their primary role will still be to ensure security and protect interests within their borders, all within an anarchic world that lacks centralized power and follows its own unique set of rules and order. The present research tried to answer the following questions: According to Anne-Marie Slaughter, how can the state continue to fulfill its function in a networked world? And do the indicators Slaughter proposes for the state's function in a networked world align with current realities? The research is based on the hypothesis that, as Slaughter argues, the functions of the state continue in a way that aligns with the internal rules of global networks. However, what Slaughter describes as the disaggregated state has not yet fully materialized. The subsidiary hypothesis suggests that the state will function as a disaggregated institution within judicial, decision-making, action-oriented, and norm-setting global networks. Nevertheless, we cannot yet speak of the emergence of a new form of the state called *the disaggregated state*.

Materials and Methods

The current study used both deductive reasoning and mixed methods to test the hypotheses. Anne-Marie Slaughter's theory was used as the primary framework for analysis. Her theory was tested through a dual approach, utilizing both qualitative interpretations and indicators, as well as quantitative data. The analysis began with examining Slaughter's concepts using her primary sources, followed by an assessment of the theory's indicators through empirical evidence.

Results and Discussion

Despite being influenced by the viewpoints of other theorists, Anne-Marie Slaughter seeks to offer new insights. She identifies a significant paradox in the age of global networks. On the one hand, global networks have made globalization an inevitable aspect of human life. On the other hand, there is an increasing need for states to govern and manage a range of issues that span all dimensions of social life across different countries. Some argue that the expansion of globalization and the inevitability of global networks will weaken or even eliminate the role of the state, thus diminishing the need for its governance and function. However, Slaughter contends that the need for states and their roles in the process of globalization will actually increase, creating a paradox in the modern world. She defines global political networks as arising from diverse projects of reinventing and reimagining the state, both academically and practically. These projects explore various ways in which the private sector can perform functions traditionally associated with government—from providing expertise for public services to overseeing and ensuring compliance. An examination of the indicators Slaughter presents regarding state networks in the global arena reveals that while these indicators reflect certain aspects of reality, they have not led to the emergence of a new phenomenon. An analysis of global realities confirms the existence of such networks, and their presence and influence cannot be overlooked. However, considering that Slaughter's central concept is *the disaggregated state*, these networks have not yet brought about the disaggregation of states. While these networks do influence decisions and laws in various countries, they have not reached the extent required to transform a continuous state into a discontinuous or disaggregated one.

Conclusion

Anne-Marie Slaughter offers a novel perspective on the role and function of the state in the global age, which she terms the *disaggregated state*. This perspective can explain many global phenomena and developments, providing a fresh theoretical framework for understanding the state. Nevertheless, while Slaughter's theory resonates with many ongoing transformations and offers a new lens through which to view them, it does not fully account for all dimensions of the actual state and political world, nor can it account for many new political currents and realities. The statistics and examples presented in this article demonstrate that, while the initial signs of the phenomenon of the disaggregated state are visible, it has not yet fully materialized. States continue to play significant roles in most areas.

Keywords: Disaggregated state, Anne-Marie Slaughter, transformation of state, global network of states, essence of state.



شبکه‌های جهانی دولت‌ها و تحول کارکرد دولت؛ آزمون نظریه آن ماری اسلاتر

استاد روابط بین الملل دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

حسین سلیمی * 

چکیده

هر چند هنوز مطالعه دولت در کانون مطالعات سیاسی و بین‌المللی است اما نظریات متفاوتی نیز در این زمینه داده شده است که می‌تواند نگرش‌های موجود در این زمینه را دگرگون کند. نظریه آن ماری اسلاتر از جمله این نظریات است که تلاش می‌کند تا با درک مسائل جهانی پدیده دولت و دگرگونی کارکرد آن را به گونه‌ای متفاوت درک کند. بر اساس نظریه اسلاتر شکل‌گیری شبکه جهانی دولت‌ها سبب شده تا دولت‌ها شکل و ساختار گذشته و کلاسیک خود را حفظ کند اما ماهیت آنها به تدریج دگرگون شود. دولت ناپیوسته عنوانی است که اسلاتر بر وضعیت نوین دولت‌ها در عصر جدید می‌گذارد. دولت ناپیوسته دولتی است که تا حدودی از آن تمرکززدایی شده و در بخش‌های مختلف آن در درون شبکه‌های مختلف قرار می‌گیرند و تصمیمات و رفتارهای آنها بیشتر بر اساس آنچه در درون شبکه‌های جهانی به وجود می‌آید شکل می‌گیرند. این گونه جدید از دولت در حوزه‌های مختلف کارکرد و کنش جدیدی پیدا می‌کند و به دنبال آن نقش آفرینی دولت تغییر می‌کند. بررسی ما در این مقاله نشان می‌دهد که هر چند به تدریج شبکه‌های جهانی میان دولت‌ها شکل گرفته است اما این شبکه‌ها ماهیت دولت را تغییر نداده و دولت‌ها همچنان به صورت متمرکز تصمیم گرفته و این تصمیمات را اجرامی کنند. این نظریه هر چند نگاه جدیدی به ما می‌دهد اما هنوز حلال مشکلات زمانه نیست.

واژگان کلیدی: دولت ناپیوسته، آن ماری اسلاتر، تحول دولت، شبکه جهانی دولت، ماهیت دولت.

مقدمه

هر چند دانش سیاست دیگر محدود به مطالعه نهاد دولت نیست و همه چیز را در تمامی عرصه‌های اجتماعی مورد توجه قرار می‌دهد، اما هم‌چنان ماهیت و کارکرد دولت از اصلی‌ترین موضوعات مورد بحث در این دانش تاریخ‌ساز است. به ویژه که تغییر مداوم و ماهوی در جامعه و روابط جهانی موجب شده که هم کارکردهای و هم نگرش‌ها درباره دولت دگرگون شوند. هنوز دولت‌ها مهم‌ترین نهاد اجتماعی در زیست انسانی هستند و اصلی‌ترین پرسشی که پیش روی دانشمندان علوم اجتماعی و سیاسی قرار می‌گیرد این است که آیا تحول ماهوی روابط جهانی به حذف یا دگرگونی نهاد دولت منجر می‌شود یا خیر؟ بعضی نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل به خصوص در میان رئالیست‌ها معتقدند که دولت نه از میان می‌رود و نه کارویژه اصلی‌اش تغییر می‌کند. اوضاع جهان و روابط بین‌الملل نیز در اساس همان است که بود. یعنی دولت‌ها کنش‌گران اصلی حوزه روابط بین‌الملل باقی خواهند ماند و نقش اصلی آنها نیز ایجاد امنیت و حفاظت از منافع در درون مرزهای خود خواهد بود، آن هم در جهانی آنارشیک که هیچ قدرت متمرکزی آن را اداره نمی‌کند و قواعد و نظم متفاوت و خاص خود را دارد.

گروهی از متفکرین نیز چنین می‌اندیشند که دولت ملت و یا کشورملت به معنای کنونی‌اش کم‌کم در عرصه جهانی از میان خواهد رفت و دولت جهانی جایگزین آن خواهد شد. الکساندر ونت که امروزه یکی از مؤثرترین نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل است پیش‌بینی می‌کند که ظرف یک قرن آینده احتمالاً دولت جهانی تشکیل شده و دولت‌ملت‌هایی که جهان را به محیط تنازع بدل خواهند کرد جایگاه خود را از دست خواهند داد. (ونت، ۱۴۰۰) اما پاره‌ای از نظریه‌پردازان نیز که خود در عرصه عملی دست‌اندرکار مسائل بین‌المللی بوده‌اند، ایده‌هایی متفاوت درباره جایگاه و کارکرد دولت در جهان جدید عنوان کرده‌اند. آنها با توجه به مشاهدات خود در عرصه جهانی پی برده‌اند که جهان چه در عرصه اقتصادی و چه در عرصه سیاسی به طور بنیادین دگرگون شده است. اصطلاح جهان شبکه‌ای اصطلاحی است که این گروه از نویسندگان برای توضیح این شرایط جدید ابداع کرده‌اند. از منظر آنها دولت‌ها به حیات خود ادامه خواهند داشت اما در جهان شبکه‌ای شیوه و ماهیت اثرگذاری و نقش‌آفرینی آنها دگرگون می‌شود. آن ماری

اسلاتر از جمله این نویسندگان است که نوشته‌های مشهور و کنش‌های مشهورترش در عرصه بین‌المللی، دیدگاه‌های وی را مورد توجه بسیاری از اهل نظر قرار داده است. از دیدگاه اسلاتر دولت در درون شبکه‌های جهانی کارکردهایی متفاوت می‌یابد و تنها در صورت ایفای درست نقش خود در این دنیای تازه می‌تواند زندگی اجتماعی مردمان خود را ارتقاء دهد. در این مقاله تلاش می‌کنیم تا ضمن بیان دیدگاه‌های او به آزمون نظراتش با بررسی تجربی شاخص‌های موجود در نظریه او بپردازیم.

بر این اساس پرسش اصلی در این مقاله این است که از نظر آن ماری اسلاتر دولت چگونه در جهان شبکه‌ای به نقش آفرینی خود تداوم بخشد؟ و پرسش فرعی چنین است که آیا شاخص‌های مورد نظر اسلاتر برای نقش آفرینی دولت در جهان شبکه‌ای با واقعیات جاری در جهان سازگار است؟

پاسخ موقتی ما به این پرسش این است که از نظر اسلاتر کارکردهای دولت با هماهنگی با قواعد درونی شبکه‌های جهانی به گونه‌ای متفاوت تداوم می‌یابد. هرچند دولت ناپیوسته به گونه‌ای که اسلاتر مطرح کرده است هنوز شکل نگرفته است. و فرضیه فرعی چنین است که دولت در به عنوان نهادی ناپیوسته در درون شبکه‌های قضائی، تصمیم‌گیری، کنش و هنجارساز جهانی نقش آفرینی خواهد کرد. اما هنوز نمی‌توانیم از شکل‌گیری چهره نوینی از دولت به نام دولت ناپیوسته سخن بگوییم.

روش ما در بررسی این فرضیات روشی آمیخته است برخاسته از راهبرد قیاسی است. بدین معنی که نظریه آن ماری اسلاتر چارچوب اصلی بررسی خواهد بود و این نظریه با کمک تفاسیر و شاخص‌های کیفی از سویی و بررسی شاخص‌های کمی از سوی دیگر مورد آزمون قرار می‌گیرد. برای این منظور ابتدا مفاهیم مورد نظر اسلاتر را با اتکاء به منابع اصلی او بررسی کرده و سپس شاخص‌های این نظریه را با کمک شواهد تجربی مورد ارزیابی قرار خواهیم داد.

دو دیدگاه در مورد مفهوم جهان شبکه‌ای و جایگاه دولت در آن

در مورد جهان شبکه‌ای نظریه‌ها و گرایش‌های معروفی وجود دارند که محیط اندیشگی متفکران سیاسی و بین‌المللی را دگرگون ساخته‌اند. به طور مثال مانوئل کاستلز شبکه را

مجموعه‌ای از نقاط اتصال یا گره‌های به هم پیوسته در عرصه روابط اجتماعی تعریف می‌کند. به عبارتی شبکه، شامل نظامی از اتصالات سازمان‌یافته میان اجزاء یک مجموعه اجتماعی است. اجزای شبکه‌ها، روابط درونی و برونی واحدهای واقعیت اجتماعی را سازمان می‌دهند. شبکه‌ها به این معنی ساخت، صورت و شیوه تعامل را در جوامع مختلف شکل می‌دهند و پیدایی این شبکه‌ها و اهمیت یافتن شبکه‌ها در روابط اجتماعی موجب تغییر اساسی فرهنگ، قدرت، سیاست و اقتصاد شده است. فناوری اطلاعات و ارتباطات بنیاد گسترش جامعه شبکه‌ای هستند و این شبکه‌ها را روز به روز تعمیق کرده و گسترش می‌دهد. در این وضعیت جدید، شبکه‌ها بر کنش‌های فردی اولویت یافته و نسبت به آنها ترجیح دارند. از نظر کاستلز جامعه شبکه‌ای را می‌توان با شاخص‌هایی مانند قطبی شدن ساختار اقتصادی هم در عرصه جهانی و هم در درون جوامع، دگرگونی ماهیت کار و اشتغال، دگرگونی رسانه‌ها و مخاطبان و ایجاد پدیده‌های اجتماعی جدید در عرصه شبکه‌ها، و تغییر بنیان‌های مادی فرهنگ (فراسوی زمان و مکان) درک کرد.

از نظر کاستلز شبکه‌ها ساختارهایی باز هستند که هم امکان گسترش بی‌نهایت دارند و هم می‌توانند اجزاء و اعضای جدیدی را در درون خود جای دهند. از این جهت شبکه‌ها امکان قبض و بسط داشته و می‌توانند به گونه‌های مختلف در اقصی نقاط کشور نفوذ کنند. جامعه شبکه‌ای در واقع مرحله‌ای جدید از زیست اجتماعی انسان است که جایگزین جامعه توده‌ای شده است. جامعه توده‌ای جامعه‌ای بود که در آن افراد در قالب گروه‌ها و سازمان‌های اجتماعی و نیز ر قالب خانواده‌های وسیع به هم پیوند می‌خوردند. این نوع جامعه در محیط‌های جغرافیایی مشخص محدود بوده و ویژگی‌های منحصر به خود را داشتند اما جامعه شبکه‌ای پیوند انسان‌ها را در درون شبکه‌ها محقق می‌کند، شبکه‌هایی که امکان گسترش در فراسوی مرزها را دارند. فناوری اطلاعات و ارتباطات نوع و چگالی ارتباط بین انسان‌ها را تغییر داده و به تدریج شبکه‌های تعاملی را جایگزین رسانه‌های سنتی می‌کند. این امر انحصار در ارائه اطلاعات و اقتدارهای ناشی از آن را از میان می‌برد. در جامعه شبکه‌ای اینفوکرایی جایگزین بوروکراسی می‌شود و اطلاعات و تصاویر ایجاد شده از پدیده‌های اجتماعی مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده در تحولات اجتماعی می‌باشند. بر این اساس اقتصاد اطلاعاتی و شبکه‌ای جایگزین اقتصادهای سنتی شده است، این گونه نوین

از اقتصاد از مرزهای جغرافیایی گذر کرده و پا به عرصه جهانی گذارده است. فرهنگ جهانی نیز در تعامل میان فرهنگ‌های محلی و شبکه‌های گوناگون فرهنگی به وجود آمده، فرهنگی که به هیچ عنوان جهانی شدن فرهنگی غرب و یا آمریکائی شدن نیست بلکه محصول به هم پیوستگی و تعامل فرهنگ‌های محلی است.

کاستلز ویژگی‌هایی را برای اقتصاد در جهان شبکه‌ای مطرح می‌کند که می‌تواند گویای نوع فهم متفاوت اواز جهان جدید و کارکرد دولت در درون آن باشد. این ویژگی - ها عبارتند از:

- اقتصاد اطلاعاتی: در این نوع از اقتصاد دانش و توان پردازش اطلاعات اساس تولید ثروت و فعالیت اقتصادی است و همه چیز حتی تولید کالاهای فیزیکی به آن بستگی دارد. قطب‌های قدرت جدید اقتصادی آنها خواهند بود که فناوری‌های پیشرفته در عرصه اطلاعات و ارتباطات را در اختیار داشته و می‌توانند به پردازش وسیع‌تر و پیچیده‌تر اطلاعات بپردازند

- کردارهای اقتصادی شبکه‌ای: کنش اقتصادی در درون شبکه‌ها نیز کاملاً متفاوت است. زیرا بخش‌هایی از بنگاه‌های اقتصادی که بتواند در درون شبکه‌های جهانی کنش اقتصادی با بنگاه‌های بزرگتر قرار گیرند می‌توانند کارآمد بوده و بهره‌وری خواهند داشت و حتی دولت‌ها را در عرصه فعالیت‌های جهانی به دنبال خود خواهند کشید

- تحول در بنیاد اشتغال: کار که در گذشته در درون واحدهای صنعتی و بر اساس روابط خاص رئیس و مرئوس بود در جهان شبکه‌ای در درون شبکه‌ها شکل گرفته و به نوع کارآمدی در درون ساختار شبکه بستگی خواهد داشت.

- ظهور قطب‌های متقابل: فرایند جهانی‌شدن و شبکه‌ای شدن فعالیت‌های اقتصادی موجب قوت پیدا کردن تلاش‌های فردی و تضعیف نهادهای اجتماعی مانند اتحادیه‌های کارگری و یا دولت رفاه می‌شود و ماهیت دولت‌بودن را دگرگون می‌کند.

در واقع هم دولت‌ها و هم جنبش‌های مخالف دولت‌ها در درون شبکه‌ها اطلاعاتی و نیز شبکه‌های اجتماعی امکان کنش دارند. از نظر کاستلز حکمرانی خوب نیز صورت‌بندی و کنش مناسب در سطوح مختلف تصمیم‌گیری نهادی است که از مجرای شبکه‌های

اطلاعاتی به هم پیوسته محقق می‌شود. پویاترین جنبش‌های اجتماعی نیز در نتیجه به هم پیوستن اینترنت و حضورهای میدانی در شهرها و کشورها و یا حتی در سطح جهان به هم پیوند پدیدار می‌شوند. (Castells, 2000, p. 695)

از نظر کاستلز نظام واقعی حکمرانی در عصر شبکه‌ها بر دولت-ملت‌ها متمرکز نیست، البته دولت-ملت‌ها از بین نرفته‌اند، اما بخش مهم و تأثیرگذار حکمرانی از طریق شبکه‌ای از نهادهای سیاسی شکل می‌گیرد که مرکب از افراد و نهادها و دولت‌هایی هستند که در این شبکه‌های پراهمیت حضور دارند. دولت شبکه‌ای مفهوم‌سازی شده این واقعیت در حکمرانی سیاسی است. در واقع دولت شبکه‌ای فقط محصول تغییر تکنولوژیکی نیست، بلکه پاسخی است به تضاد ساختاری بین نظام جهانی و دولت ملی. گذر از دولت-ملت به دولت شبکه‌ای، فرایند سیاسی و سازمانی است که از طریق تحول مدیریت سیاسی، بازنمایی و نفوذ در شرایط جامعه شبکه‌ای امکان‌پذیر می‌شود. فناوری ارتباطات و اطلاعات، زیرساخت چنین تحولی را به وجود آورده و با تحقق کنش شبکه‌ای زمینه‌ساز پیدایی دولت شبکه‌ای شده و شکاف میان امر جهانی و امر محلی را پر می‌کند. بدین ترتیب دولت شبکه‌ای را می‌توان نظام پیچیده‌ای از نهادها و سازمان‌ها دانست که در آن، سطوح مختلف تصمیم‌سازی محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی به شکل شبکه‌ای به هم پیوند می‌خورند (Catells, 1999, pp. 15-16).

نمونه‌ای دیگر از فهم جهان بر اساس مفهوم شبکه را می‌توان در نظریات نئولیبرالیستی و در تئوری جوزف نای و رابرت کیوهین یافت. آنها که فرایند جهانی شدن را گونه تکامل یافته وابستگی متقابل می‌دانند معتقدند که وجود شبکه‌های تعامل بین‌المللی وجه تمایز فرایند نوین جهانی شدن با وابستگی متقابل کلاسیک است. به نوشته آنها "وجود شبکه سیاست فرادولتی موجب تفسیر متفاوتی از یکی از گزاره‌های استاندارد سیاست بین‌الملل می‌شود: دولت‌ها بر اساس منافع خود رفتار می‌کنند. با وجود وابستگی متقابل پیچیده، این حکمت متعارف با دو پرسش اساسی مواجه می‌شود؛ کدام خود و کدام منفعت؟" (Joseph Nye & Robert Keohane, 2012, p. 29) بر این اساس از دیدگاه این دو نظریه پرداز معنای خود و معنای منفعت تغییر کرده است و خود دیگر یک کنش گر دولتی متخاصم با دیگران فهمیده نمی‌شود و منفعت خود نیز به معنی نفی منفعت دیگران و از بین

بردن منفعت دیگران نیست. هم‌چنین آنها از شبکه‌ای در سیاست فرادولتی سخن می‌گویند که بنیاد روابط بین‌الملل را دستخوش تغییر کرده است. از نگاه نای و کیوهین، وجود شبکه‌ها وجه ممیزه جهان‌گرایی در عصر جدید است؛ شبکه‌ای از روابط که فراتر روابط و تعاملات ساده میان چند کنش‌گر بین‌المللی است. این شبکه‌ها سبب می‌شوند که فاصله و جغرافیا را در روابط بین کشورها حذف می‌کند و کشورهایمانند آمریکا و استرالیا را با وجود دوری فیزیکی به هم پیوند می‌زند. حتی گسترش اندیشه‌ها و گرایش‌های اسلامی در اقصی نقاط جهان گویای وجود شبکه‌های به هم پیوسته در جهان است. در سرآغاز قرن بیست و یکم در حوزه‌های مختلف زندگی اجتماعی و سیاسی، شبکه‌های جهانی انسان‌ها و بازیگران را به هم متصل کرده است. این امر نه فقط در حوزه اطلاعات و ارتباطات بلکه در زمینه امور نظامی و امنیت نیز به چشم می‌خورد. شبکه‌هایی که امکان اقدام نظامی از راه دور را میسر کرده و امنیت کشورها و جوامع مختلف در نقاط دور دست را به هم پیوند می‌زند. (Robert Keohane & Joseph Nye, 2000, pp. 105-106) از این رو جهان شبکه‌ای در واقع تعمیق وابستگی متقابل بین کنش‌گران مختلف اعم از دولتی و غیردولتی است که موجب تشدید فرایند جهانی‌شدن می‌شود.

دیدگاه اسلاتر در مورد دولت در جهان شبکه‌ای

اما آن ماری اسلاتر هر چند از دیدگاه‌های دیگر نظریه‌پردازان تأثیر پذیرفته است، اما تلاش می‌کند نکات جدیدی مطرح کند. او فکر می‌کند در عصر شبکه‌های جهانی ما با یک پارادوکس جدی مواجه هستیم. از یک سو با شبکه‌های جهانی که جهانی‌شدن را به صورت امری گریزناپذیر در متن زندگی انسان جاری ساخته و از سوی دیگر با نیاز روزافزون به دولت برای حکمرانی و مدیریت مسائل مختلف و فزاینده‌ای که تمامی ابعاد زیست اجتماعی مردمان در کشورهای مختلف را در بر گرفته است. بعضی چنین می‌اندیشند که گسترش جهانی‌شدن و گریزناپذیری شبکه‌های جهانی موجب تضعیف یا نابودی دولت می‌شود و نیاز به حکمرانی دولت و نقش‌آفرینی آن کم‌تر خواهد شد. اما اسلاتر معتقد است که نیاز به دولت و نقش‌آفرینی آن در فرایند جهانی‌شدن شبکه‌ها بیشتر

می‌شود و این امری تناقض‌نا در دنیای جدید است. او شبکه‌های سیاسی جهانی را این گونه می‌فهمد:

"شبکه‌های سیاسی جهانی برگرفته از پروژه‌های متنوع "بازآفرینی و ابداع مجدد دولت" هستند، هم در عرصهٔ اکادمیک و هم در عرصهٔ عملی. این پروژه‌ها بر راه‌های متعددی متمرکز هستند که در آنها بخش خصوصی می‌تواند کارکردها و نقش‌های دولت را ایفا کند. از فراهم کردن بدنهٔ تخصصی برای خدمات عمومی تا نظارت و کنترل تبعیت مردم. هم‌چنین تنظیم مذاکرات اساسی، هم در عرصهٔ داخلی و هم بین‌المللی. با این وجود این مسأله این اطمینان را به وجود می‌آورد که این کنش‌گران خصوصی اعتماد عمومی را به دست می‌آورند." (Slaughter A.-M., 2004, p. 9)

۱ از دیدگاه او در جهان جدید هم تهدیدهای بزرگ و مکانیسم‌های مقابله با این تهدیدها در شبکه‌های بزرگی به وسعت همه عالم سیاست قرار دارند. به نوشتهٔ اسلاتر:

تروریست‌ها، دلالان اسلحه، پول‌شویان، دلالان مواد مخدر، دست‌اندرکاران قاچاق زنان و کودکان و نقض‌کنندگان حقوق مالکیت فکری هم از طریق شبکه‌های جهانی عمل می‌کنند. دولت‌ها نیز به طور فزاینده‌ای چنین عمل می‌کنند. شبکه‌های مقامات رسمی کارگاہان پلیس دولتی، تنظیم‌کنندگان مالی، قضات و قانون‌گذاران و ... اطلاعات و فعالیت‌های مشترک خود را برای مبارزه با جرائم جهانی و نیز مسائل مشترک خود در این زمینه را در مقیاس جهانی مبادله می‌کنند. این شبکه - های حکومتی و دولتی یکی از ویژگی‌های نظم جهان در قرن بیست و یکم است، ولی این شبکه‌ها مناسب و چندان مورد حمایت نیستند تا بتوانند به مسائل اصلی حکمرانی جهانی بپردازند.... در اقتصاد جهانی، شبکه‌های وزیران دارایی و امور مالی و رؤسا و مقامات بانک‌های مرکزی نقش مهمی

در مقابله با بحران‌های مالی در سطح ملی و منطقه‌ای دارند (Slaughter A.-M. , 2004, p. 1)

هم‌چنین از نظر او در حوزه‌های اقتصاد و محیط زیست و فرهنگ نیز چنین شبکه‌های جهانی وجود دارد و به محیطی تازه برای اقدام هماهنگ در سطح جهان بدل شده است. در زمینه اقتصاد و امور مالی شبکه‌های وزیران دارائی و نیز رؤسا و مقامات بانک‌های مرکزی نقش محوری در مقابله با بحران‌های مالی در سطوح جهانی، منطقه‌ای و ملی بازی می‌کنند. گروه‌های G8 و G20 تنظیمات بین‌المللی گسترده‌ای برای اقدام هماهنگ در سطح جهانی ایجاد کرده‌اند که بیرون ماندن از آنها موجب بروز مشکلاتی عدیده برای مقابله با مشکلات خواهد شد. در عرصه زیست محیطی نیز شبکه‌های بین‌المللی برای تشخیص، یافتن راه‌حل و مبارزه با مسائل زیست محیطی پدید آمده است که خارج از آنها نه می‌توان ریشه مشکلات را یافت و نه اقدامی مؤثر برای حل آنها به انجام رساند. در عرصه اطلاعات و ارتباطات نیز که پیدایش شبکه‌های جهانی و تأثیر آنها بر هویت‌های اجتماعی ناگفته پیداست. (Slaughter A.-M. , 2004, pp. 2-3) بسیاری از سازمان‌های کلاسیک بین‌المللی مانند سازمان تجارت جهانی به تدریج به مبنایی برای پیدایش و گسترش شبکه‌های نوین تجاری بدل شده‌اند. اما برخلاف آن چه مایکل شیپرو مدعی بود که دیگر باید به جای حکومت‌ها یا دولت‌ها از حکمرانی سخن بگوییم، اسلاتر به چنین چیزی معتقد نیست و معتقد است که محیط جهانی در شبکه جهانی میان دولت‌ها شکل می‌گیرد. یعنی دولت‌ها هم‌چنان محور می‌مانند ولی در درون شبکه جهانی‌ای عمل می‌کنند که میان خود آفریننده‌اند. البته این مفهوم مرکزی او نیست.

او از مفهومی تحت عنوان **دولت ناپیوسته**^۱ را مطرح می‌کند و چنین استدلال می‌کند که در تلاش‌های نظری برای فهم جایگاه دولت در جهان شبکه‌ای، به دو فرایند بسیار توجه شده: حرکت از امر ملی به سوی امر جهانی و حرکت از حکومت به حکمرانی. اما کمتر به مفهوم دولت ناپیوسته توجه شده است. از این رو اسلاتر تمرکز خود را بر یک دگرگونی جدید می‌گذارد: حرکت از دولت واحد یا به هم‌پیوسته به سوی دولت ناپیوسته.^۲ منظور او

¹Disaggregated State
²from the unitary state to the disaggregated state

از دولت ناپیوسته دولتی است که اجزاء گوناگون آن در شبکه‌های جهانی دولت‌ها به گونه‌های مختلف تصمیم گرفته و عمل می‌کنند. ممکن است آن صدای واحد متمرکزی که از هویت واحد یک کشور ملت برخاسته بود دیگر در دولت ناپیوسته به گوش نرسد. قبل از آن دولت به صورت یک هویت یکپارچه که از یک مرکز واحد تبعیت می‌کند و همه با هم هماهنگ تصمیم می‌گیرند عمل می‌کرد اما دولت ناپیوسته دولتی است که هر چند نوعی از هماهنگی بین واحدهای آن وجود دارد اما هر واحدی در شبکه‌ای از دولت‌ها که ماهیت جهانی دارد عمل می‌کند. این شبکه‌ها بخش‌های مختلف دولت را به گونه‌های مختلف در خود جای داده‌اند. و شاخص‌های شبکه‌های نوین جهانی محسوب می‌شوند. شبکه‌های اصلی از نظر او عبارتند از:

۱. شبکه‌های تنظیم‌کننده: از شبکه بانک‌ها تا شبکه‌های نوین دیپلماسی؛ که خود سه نوع هستند:

۱.۱. شبکه‌های اطلاعات

۱.۲. شبکه‌های هماهنگ‌سازی

۱.۳. شبکه‌های اجبار

۲. شبکه‌های قضایی: شامل شبکه‌های قضات و شبکه‌های قضائی برای تصمیمات هم‌سان
۳. شبکه‌های قانون‌گذاری: شامل مجموعه‌های رسمی و غیررسمی که سبب قانون‌گذاری در سطوح مختلف در کشورهای گوناگون می‌شوند.

این شبکه‌ها از نظر اسلاتر نوعی از نظم نوین جهانی به وجود می‌آورند. تعریف او از نظم جهانی به عبارت ذیل است:

"نظم جهانی بدین گونه توصیف می‌شود: نظامی از حکمرانی جهانی که همکاری را نهادینه می‌کند و محدودیت‌های کارآمدی برای منازعه بنیاد می‌گذارد به گونه‌ای که تمامی ملت‌ها و مردم بتوانند به صلح بزرگتر و خوشبختی بیشتر برسند و خدمات خود به مجموعه زمین را افزایش داده و به حداقل استانداردهای کرامت بشری دست یابند." (Slaughter A.-M., 2004, p. 15)

از نظر اسلاتر شبکه‌های سه گانه مذکور نظم جهانی جدیدی را پی‌ریخته‌اند که شرایط سیاسی و ماهیت دولت را دگرگون ساخته است. او مفهوم نظام بین‌الملل و نظم جهانی را یکی می‌گیرد و درک آن را مستلزم دگرگونی در فهم پدیده دولت می‌داند. از این منظر "حکمرانی جهانی" دیگر این نیست که حاکمی در رأس جهان به وجود آید که همه دولت‌ها را کنترل کند، بلکه شبکه‌های هماهنگی و تصمیم‌سازی است که بخش‌های مختلف دولت‌ها در آن حضور داشته و با هم برای یافتن راه‌حل‌های مناسب برای به‌زیستن مردمان خود عمل می‌کنند.

اسلاتر با اتکای به بررسی‌های تجربی و علمی خود، برخی از اصلی‌ترین مفروضات خود در مورد دولت را به شرح ذیل خلاصه می‌کند:

- ۱- دولت نه فقط یک کنش‌گر بلکه اصلی‌ترین کنش‌گر نظام بین‌الملل است.
 - ۲- دولت‌ها محو نمی‌شوند و از میان نمی‌روند، اما ناپیوسته می‌شوند یعنی به نهادهای کوچک‌تری تقسیم می‌شوند که به طور فزاینده‌ای در شبکه‌های جهانی با هم‌تایان خود تعامل دارند.
 - ۳- این نهادها هم‌چنان منافع و علایق ملی یا دولتی را نمایندگی می‌کنند حتی زمانی که هویت مشترک تخصصی خود با دیگر وزراء، قانون‌گذاران، قضات و یا متخصصان را می‌پذیرند.
 - ۴- دولت‌های گوناگون تلاش کرده و خواهند کرد در صورت نیاز فرایندهایی را ایجاد کرده و در آنها مداخله کنند که به پیوند دوباره منافع این نهادها بیانجامد.
 - ۵- شبکه‌های دولت‌ها به موازات سازمان‌های سنتی بین‌المللی نقش آفرینی خواهند کرد و گاه با آنها تعامل خواهند داشت. (Slaughter A.-M. , 2004, p. 18)
- از نظر او شبکه دولت‌ها به دو گونه رخ می‌نماید. شبکه‌های عمودی و افقی. شبکه‌های افقی شبکه‌هایی هستند که مقامات بلند پایه دولت‌ها بر اساس علایق و موضوعات مشترک مبتلا به تشکیل می‌دهند. مثل گروه ۷ و گروه ۲۰. این شبکه‌ها از عالی‌ترین مقامات کشورها تا سطح کارشناسان گسترده می‌شود. و شبکه‌های عمودی شبکه‌هایی هستند که در بالا سر آنها یک نهاد فرادست وجود دارد که قواعدی ایجاد می‌کند که شبکه مسئولان آنها را به رسمیت می‌شناسند. مثل جایگاه دیوان دادگستری بین‌المللی برای شبکه‌های

قضات و قانون‌گذاران و یا نهادهای اتحادیه اروپا برای شبکه مقامات کشورها در حوزه‌های قضائی و اداری. (Slaughter A.-M. , 2004, pp. 19-21) اسلاتر پنج اصل بنیادین را برای تضمین یک نظم جهانی فراگیر، همراه با مدارا، احترام‌آمیز و غیرمتمرکز پیشنهاد می‌دهد:

هنجارهای افقی:

- برابری داوطلبانه در شبکه‌های جهانی
- پذیرش و مشروعیت دادن به تفاوت‌ها
- نیک‌رفتاری مثبت میان دولت‌ها

و هنجارهای عمودی:

- بازرسی و توازن در درون شبکه‌های جهانی
- تقویت و اقدامات تقویتی برای حفظ شبکه‌ها

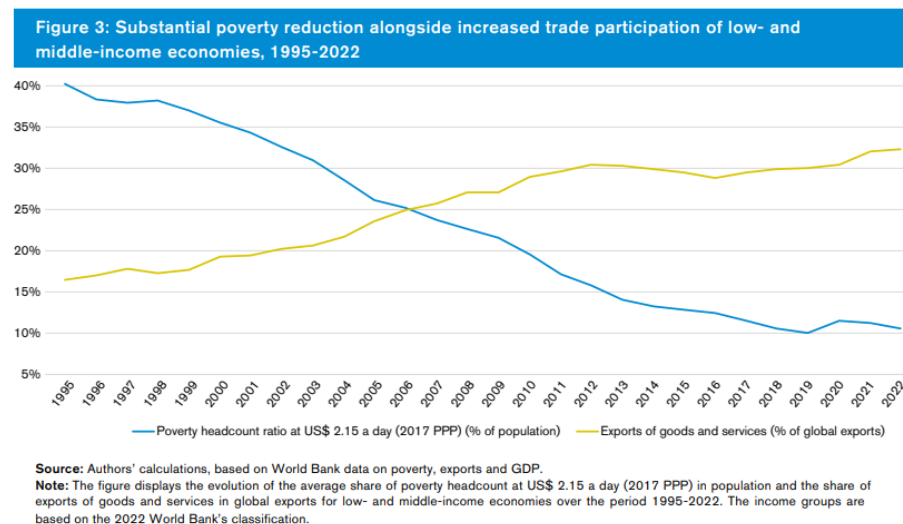
شاخص‌های شبکه‌های دولتی از منظر اسلاتر

بررسی شاخص‌هایی که اسلاتر در مورد شبکه‌های دولت در عرصه جهانی ارائه کرده نشان می‌دهد که این شاخص‌ها تا حدودی واقعیت دارند اما آن گونه که این نظریه‌پرداز ادعا می‌کند به شکل‌گیری یک پدیده نوین نینجامیده‌اند. بررسی واقعیت‌های جهانی نشان‌گر آن است که این گونه شبکه‌ها وجود دارند و آن گونه که در صفحات آینده بررسی خواهیم کرد نمی‌توان وجود و تأثیرگذاری آنها را انکار کرد. اما با توجه به این که مفهوم مرکزی او دولت ناپیوسته است، هنوز نتوانسته‌اند به ناپیوستگی دولت‌ها بیانجامند. چنان که نشان خواهیم داد، این شبکه‌ها بر تصمیمات و قوانین کشورها مختلف تأثیر دارند اما نه در حدی که به تبدیل دولت پیوسته به دولت ناپیوسته بدل شود. این شبکه‌ها در قالب شاخص‌هایی که اسلاتر مطرح کرده است مورد بررسی قرار می‌گیرند:

۱. شبکه‌های دولتی تنظیم‌کننده

شبکه‌های تنظیم‌کننده شکل‌های متفاوتی دارد مانند شبکه‌ای از دیپلمات‌ها در سرتاسر جهان شکل گرفته و نوعی هنجارها و رفتارهای مشترک را میان کارگزاران سیاست

خارجی پدید آورده است. این امر در حوزه سیاست گذاران مسائل امنیتی نیز تسری پیدا کرده و بخش مهمی از تصمیم گیران حوزه های امنیتی در کنار یکدیگر به هماهنگی و تنظیم رفتارها و شیوه های تصمیم گیری خود را تنظیم می کنند. برخی از این شبکه ها در درون سازمان های بین المللی دولتی قرار دارند و بعضی نیز در خارج از سازمان های رسمی بین المللی. در درون شبکه سازمان های بین المللی دولتی مانند سازمان تجارت جهانی، سازمان بهداشت جهانی، سازمان هوانوردی جهانی، OECD، ناتو، اتحادیه اروپایی و به عنوان نمونه ۱۶۶ کشور عضو سازمان تجارت جهانی در قالب شوراهای مختلف و کمیته های گوناگون تصمیم گیری حضور دارند و موجب هماهنگی کامل سیاست های اقتصادی این کشورها در عرصه داخلی و تجارت خارجی می شوند. این همکاری ها باعث نزدیک شدن و شباهت سیاست های اقتصادی اعمال شده توسط دولت های مختلف شده و توانسته رابطه آنها را به گونه ای با هم نزدیک کند که به طور قابل توجهی موجب کاهش فقر در این کشورها شود. جدول ذیل نموداری است که افزایش مبادلات و نیز کاهش فقر میان این کشورها را نشان می دهد:



(WTO, 2024, p. 11)

سازمان بهداشت جهانی در دوران فراگیری بیماری ابتلا به کوید ۱۹ بیشتر شناخته شد از جمله شبکه‌های نمایندگان دولت‌ها است که در وضع و اجرای مقررات بهداشتی در تمامی کشورها عضو نقش اساسی ایفا می‌کند. نمایندگان ۱۹۴ کشور عضو در حوزه‌های مختلف به استانداردسازی بهداشت جهانی و نیز چگونگی مقابله با بیماری‌های مختلف و پیشگیری مشغولند و مهم‌ترین مرجع تصمیم‌سازی محسوب می‌شوند که معمولاً تمامی سیاست‌های بهداشت درمان داخل کشورها را تحت تأثیر قرار می‌دهند. به گونه‌ای که برخی معتقدند دولت‌ها مجری تصمیمات و استانداردهای تولید شده در سازمان بهداشت جهانی هستند. هر چند نمایندگان آنها در این سازمان نقش آفرینی می‌کنند اما در نهایت دولت‌شان مجری تصمیمات اخذ شده در شبکه‌های زیرمجموعه سازمان بهداشت جهانی است.

بعضی دیگر شبکه‌های بین‌دولتی هستند که برای تنظیم کنش‌های اجرایی دولت‌ها شکل می‌گیرند. مانند گروه ۷ که کشورهای صنعتی بزرگ برای هماهنگی کنش‌های اقتصادی و سیاسی خود تشکیل داده‌اند. یا گروه ۲۰ برای تنظیم سیاست‌های اقتصادی خود و یا گروه ۷۰ برای تنظیم تصمیمات خود در سازمان ملل متحد و نمونه‌های بسیار دیگر. بعضی نیز شبکه‌هایی هستند که به صورت خودبه‌خودی در سطح بین‌المللی برای احیاء یک موضوع از دست رفته و تقویت یک شرایط بین‌المللی خاص بین نمایندگان دولت‌ها شکل می‌گیرد. مانند کنفرانس همکاری و امنیت اروپا (CSCA) و یا کنفرانس اقدامات اعتمادآفرین در آسیای مرکز CICA.

شبکه‌هایی نیز وجود دارند که این سه گونه شبکه بین‌دولتی را در هم آمیخته و به صورت هم‌افزا آنها را کنار هم قرار می‌دهند. به طور مثال ناتو را دیگر نمی‌توان یک سازمان بین‌المللی محدود دانست. زیرا به شبکه‌ای از دولت‌های بزرگ برای مبادله اطلاعات، تنظیم سازمان‌های نظامی و تصمیم‌سازی برای شکل دادن به مفهوم امنیت و نیز گستره اجرای اقدامات امنیت‌ساز بدل شده است که بخش مهمی از تصمیمات دولت‌های عضو را تحت تأثیر قرار داده و آنها را مشخص می‌کند. تصمیمات اجلاس سال ۲۰۲۲ که آرایش نظامی مشترکی در ۵ کشور بلغارستان، رومانی، مجارستان، لهستان و اسلواکی برای مقابله با تهدیدات روسیه ایجاد کرد و تحولی که در ساختار نیروهای نظامی اکثر کشورهای

عضو ایجاد کرد، نمونه بارزی است از این که شبکه جهانی دولت‌ها ساختار دفاعی و سیاست‌های امنیتی کشورهای عضو را تحت تأثیر قرار داده و تعیین می‌کند. قبل از آن ناتو در بحران‌هایی مثل بوسنی و هرزگوین، کوزوو و لیبی دخالت مستقیم کرده و سرنوشت این بحران‌ها را دگرگون ساخته بود، اما اجلاس‌های اخیر گویای آن است تکیه تصمیم‌سازی و تأثیر بر ساختارها نسبت به گذشته تعمیق شده است (BIRN, 2022).

نمونه‌های ذکر شده نشان داد که شبکه‌های دولتی در هماهنگ‌سازی و تنظیم تصمیمات دولتی وجود دارند و به طرز قابل توجهی تأثیرگذار هستند. اما این شبکه‌ها به گسسته شدن نهاد دولت متمرکز منتهی نشده‌اند. تمامی دولت‌هایی که در کنفرانس‌ها یا شبکه‌های گوناگون دولتی حضور دارند، هم‌چنان دولت یکپارچه هستند و تصمیمات اصلی آنها توسط دولت مرکزی صورت می‌گیرد. درست است که شبکه‌های جهانی دولت‌ها بسیار مؤثرند اما هنوز به تغییر ماهیت دولت نیانجامیده‌اند.

۲. شبکه‌های قضائی

در مورد شبکه قضات در عرصه جهانی اطلاعات موجود نشان می‌دهد که شبکه‌های مؤثری برای تعاملات میان قضات شکل گرفته است. مثلاً حدود صد قاضی ذیل شبکه دیوان دادگستری لاهه با یکدیگر مرتبط شده‌اند که نه فقط آرای خود این قضات تحت تأثیر نگرش مشترک آنها در این شبکه قرار می‌گیرد، بلکه تعداد زیادی از قضا دیگر نیز به مباحث و آرای آنها توجه کرده و بخش مهمی از تصمیمات قضائی خود در کشورهای مختلف را بر اساس آن اتخاذ می‌کنند.

در کشورهای آفریقایی نیز شبکه مؤثری از قضات شکل گرفته است. شبکه مبادله قضائی آفریقای AJN یک پلتفرم برای همکاری و نیز تعامل و تبادل میان متخصصان و دست‌اندرکاران امور قضائی است. این شبکه از گردهم‌آیی قضات و مقامات قضائی کشورهای بوتسوانا، اوگاندا، زامبیا، غنا، کنیا، مالاوی، نامیبیا، نیجریه، آفریقای جنوبی، تانزانیا، اوگاندا، و گامبیا تشکیل شده است آنها همایش‌های دائمی، دوره‌های آموزشی و نیز تبادلات فردی و جمعی‌ای با هم دارند تا بتوانند نگرش‌ها و شیوه قضات و انجام امور قضائی در کشورهای عضو را به هم نزدیک کند. بیشترین عناوین تبادلات اعضای این

شبکه در مورد استقلال قضائی، پاسخ‌گویی، شفافیت، اخلاق قضائی، مهارت‌های رهبری دستگاه‌های قضائی و جرائم فضای سایبر و مقابله با فساد در حوزه‌های قضائی است. هر چند عناوین کار در این شبکه به این مباحث محدود نمی‌باشد. (AJN, 2023)

در واقع شبکه تبادل قضائی آفریقایی نمونه‌ای از شبکه‌هایی است که می‌تواند نمایانگر حضور مقامات و قضات در شبکه‌های جهانی باشد که می‌تواند کردارهای آنها را هم‌گرا کرده و در مسیری جدید قرار دهد. در این شبکه بیش از ۲۰۰ قاضی ارشد و نیز ده‌ها مقام قضائی حضور دارند.

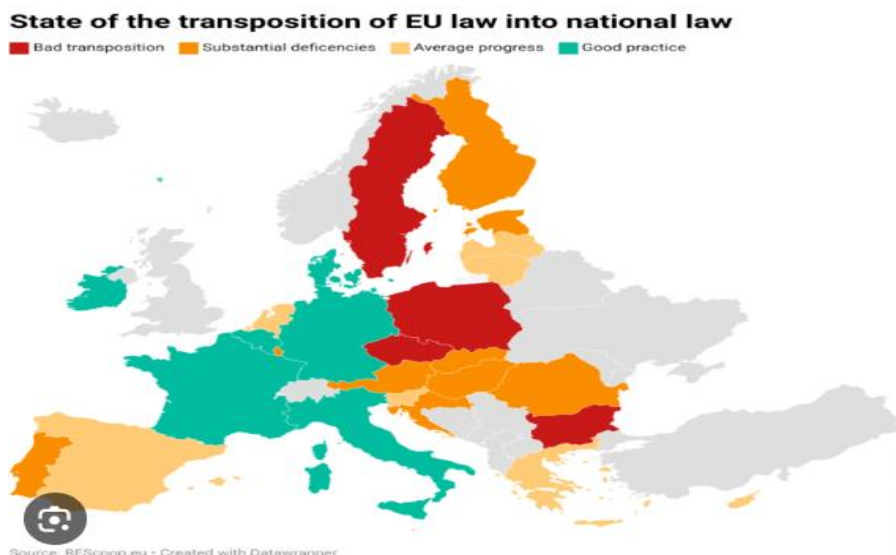
هم‌چنین شبکه شورای عدالت اروپا ENCJ نیز از جمله شبکه‌های جهانی است که حقوق‌دانان و نیز مسئولان قضائی کشورهای مختلف را به هم مربوط می‌کند. این شبکه در واقع نهادهای ملی حقوقی کشورهای مختلف اروپایی را به هم متصل و آنها را در شبکل واحدی قرار می‌دهد که هدف آن نیز استقرار عدالت قضائی و رسیدن به استانداردهای قضائی هم‌سان در کشورهای مختلف اروپایی است.

سازمان مشابهی نیز در اروپای شرق وجود دارد. شبکه مبادله قضائی اروپای شرقی و مرکزی نمونه‌ای از شبکه‌هایی است که تعداد زیادی از حقوق‌دانان مؤثر را به هم پیوند داده است. حدود ۴۰۰ قاضی و مسئول قضائی از ۲۱ کشور در این شبکه قرار گرفته‌اند تا بتوانند بهترین کنش را در قالب‌های مختلف از وکالت تا قضاوت در کشورهای خود به انجام برسانند. در این شبکه نه فقط تجربیات و آرای مختلف قضائی به شراکت گذاشته می‌شود بلکه کارگاه‌ها و نیز همایش‌هایی برای نزدیک کردن برداشت‌ها و روش‌های قضائی به منظور تحقق استقلال قضائی، شفافیت، پاسخگویی، کارآمدی و اخلاق برگزار می‌شود. این شبکه یکی از موفق‌ترین شبکه‌های قضائی برای پیوند دادن میان رفتارهای قضائی در کشورهای مختلف است (CEELI, 2023).

این‌ها نمونه‌هایی از شبکه‌های حقوق‌دانان هستند که ذهن و کنش آنها در عرصه قضاوت و وکالت را به یکدیگر نزدیک می‌کند و اصول مشترکی را در میان آنها حاکم می‌سازد. اما این شبکه‌ها به گسستگی دولت‌ها منجر نشده است. هم‌چنان رویه‌های قضائی و شیوه‌های تصمیم‌گیری و رفتار قضات و وکلا در کشورهای مختلف تحت تأثیر دولت‌های متمرکز و پیوسته است.

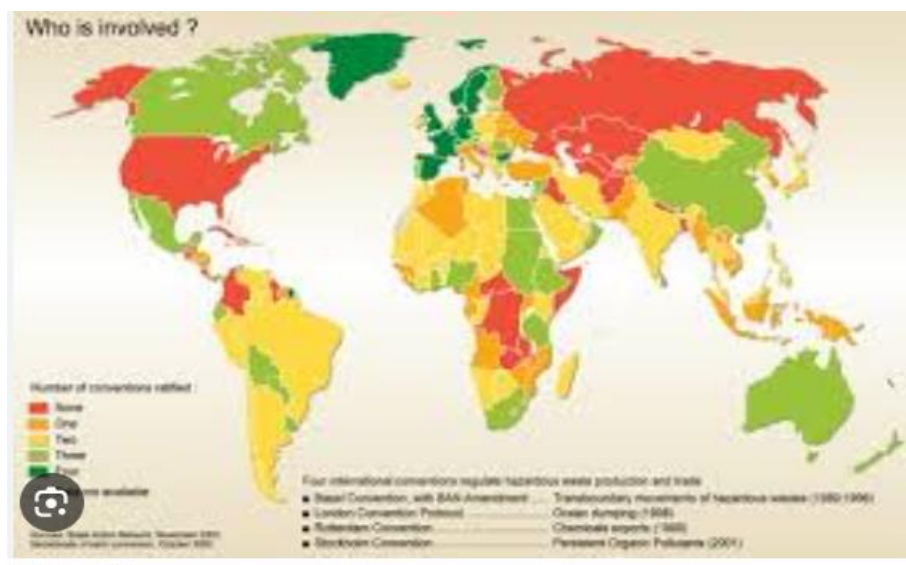
۳. شبکه‌های دولتی قانون‌گذاری

شبکه‌های قانون‌گذاری در میان شبکه‌های دولتی وسیع و کاربردی‌اند. تأثیر مستقیم آنها بر قانون‌گذاری در کشورها به گونه‌ای که بسیاری از حوزه‌های قانون‌گذاری در کشورهای مختلف را شبیه به هم کرده است. نمونه بارز شبکه‌های مؤثر بین‌المللی بر قانون‌گذاری کشورهای عضو را می‌توان در اتحادیه اروپا یافته که نقشه آن در ذیل معلوم است و نشان می‌دهد که در منطقه سبز یعنی منطقه اصلی اتحادیه اروپا بخش عمده قوانین کشورهای عضو تحت تأثیر تصمیمات شکل گرفته در اتحادیه وضع می‌شوند:



در سطح فرامنطقه‌ای نیز در حوزه‌هایی مانند قانون کار، قوانین هوانوردی، قوانین مربوط به بهداشت و درمان، قوانین مرتبط به دریانوردی، قوانین مربوط به راهداری، استانداردهای هتل‌داری و مسائل زیست‌محیطی و حتی ساختارهای اقتصادی و تجاری و آموزشی قوانین و آئین‌نامه‌های موجود در کشورهای مختلف بسیار به هم نزدیک شده‌اند و این به دلیل تأثیرپذیری شدید آنها از شبکه‌های جهانی است. سازمان بین‌المللی کار، سازمان هوانوردی بین‌المللی، سازمان بهداشت جهانی، یونسکو و سازمان تجارت جهانی شبکه‌هایی ایجاد کرده‌اند که مقامات و کارشناسان کشورهای مختلف در آنها حضور

داشته و بر اساس قواعد آنها به تنظیم قوانین و آئین‌نامه‌ها در کشورهای خود می‌پردازند. از این‌رو می‌توان گفت که شبکه‌های قانون‌گذاری مورد نظر اسلاتر در عرصه‌های میانی قانون‌گذاری کاملاً کارآمد بوده است. نقشه ذیل گویای آن است که در بخش عمده‌ای از جهان امروز قوانین و رویه‌های ذکر شده در موارد فوق‌الذکر تحت تأثیر رویه‌های پدید آمده در شبکه‌های بین‌المللی است:



اما آیا این به معنای آن است که دولت‌ها در فرایند قانون‌گذاری از هم گسسته شده‌اند؟ بی‌گمان پاسخ منفی است. درست است که بر اساس قاعده تقدم قوانین بین‌المللی بر قانون داخلی باید این قوانین شکل گرفته در این مراجع را اولی دانست. اما هنوز باید گفت که در تمام کشورهای جهان مصلحت‌ها و تصمیمات متمرکز دولت و مراجع قانون‌گذاری داخلی مرجع است. تغییر مسیر ایالات متحده آمریکا در دوران ریاست جمهوری دونالد ترامپ و خروج او از کنوانسیون‌های متعدد بین‌المللی بر اساس مصالح و تصمیمات داخلی شهادی بر صدق این مدعا است.

ظهور و تداوم مسائل جهانی

البته شبکه‌های جهانی هنوز در بسیاری از زمینه‌ها موفق نبوده و نتوانسته‌اند که مسائل جهانی را حل کنند. حتی خود اسلاتر نیز معترف است که این شرایط جدید نتوانسته به حل پاره‌ای از مسائل جهانی منتهی شود. یکی از این مسائل اساسی مسأله زنان و حقوق زنان است. از نظر اسلاتر به رغم این که در شبکه‌های مختلف جهانی سخن از زنان و حقوق آنها زیاد است اما این امر نتوانسته به فهم درست نقش زنان در جامعه و نیز یافتن راه‌های گریز از پایمال شدن حقوق زنان در جهان بیانجامد. او می‌نویسد:

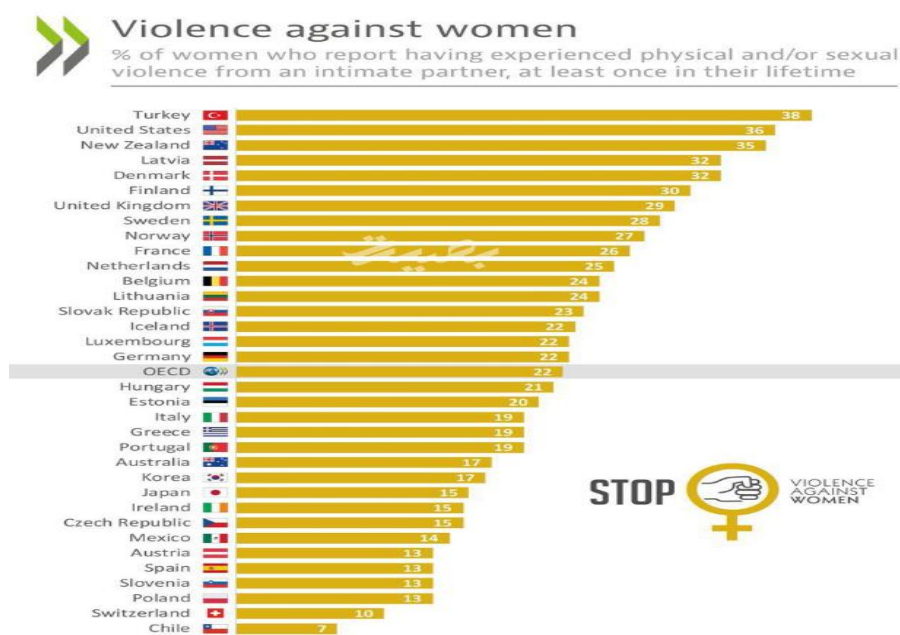
"به نظر می‌رسد بسیاری از سیاست‌گذاران در ایالات متحده و در سراسر جهان قادر به درک اهمیت بررسی مجزای رفتار زنان و مردان نیستند. درحالی که این کار می‌تواند تجزیه و تحلیل‌های آنها را غنی‌تر کند و اقداماتی که باید انجام شود را بهبود بخشد. در آمریکا به تازگی تحقیقات بی‌سابقه‌ای، پس از تقریباً دهه‌ها خاموشی، درباره این که آیا و چگونه داده‌ها، رابطه بین جنسیت و امنیت ملی را متبلور می‌کنند، در حال انجام است. آیا سیاستمداران آمریکایی که سیاست‌های این کشور را تنظیم می‌کنند از این تحقیقات استفاده می‌برند؟ پاسخ کوتاه این است: اکثرانه." (Slaughter, Anne-Marrie & Elizabeth Weingarten, 2016)

او هم‌چنین می‌نویسند:

"این رفتار شبیه به این است که یک فرد نزدیک بین از پوشیدن عینک برای لذت بردن از یک چشم‌انداز جدید صرف نظر کند. نادیده گرفتن تفاوت‌های جنسیتی در سیاست، خطرناک است. بسیاری از کشورها مانند آمریکا تنها حمایتی ظاهری از این مساله دارند. نزدیک به ۸۰ کشور قطعنامه ۱۳۲۵ سازمان ملل را که از مشارکت دادن زنان در تمام جنبه‌های سیاست امنیتی حمایت می‌کند، امضا کرده‌اند. بر اساس تحقیقات ما سیاست‌گذاران گمان می‌کنند که بر نقطه کور جنسیتی موجود غلبه می‌کنند چرا که این روزها

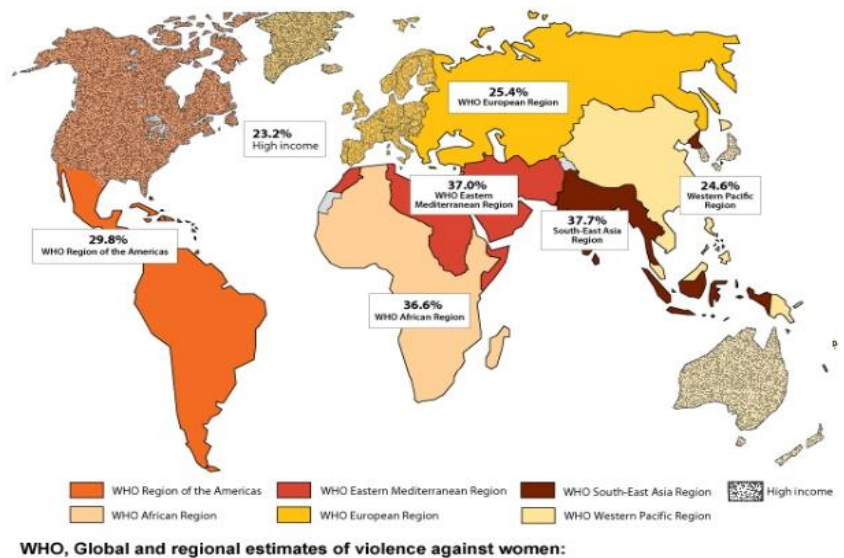
زنان بیشتری در دور و اطراف میزهای سیاست نشسته‌اند. این طور فرض می‌شود حضور زنان بیشتر در تیم‌های تصمیم‌گیری به طور خودکار ملاحظات جنسیتی مربوط به سیاست را نیز بیشتر خواهد کرد، اما این طور نیست. این فرض هنوز ثابت نشده و حتی ممکن است کاملاً برعکس باشد. (Slaughter, Anne-Marrie & Elizabeth Weingarten, 2016)

به هر حال حضور بیشتر زنان در عرصه‌های تصمیم‌گیری موجب از میان رفتن مسائل زنان در کشورهای مختلف نشده است. هم‌چنان موضوع تبعیض علیه زنان و خشونت علیه زنان یکی از برجسته‌ترین مسائل و مشکلات جهان است. جدول ذیل که از سوی OECD منتشر شده است گویای آن است که خشونت علیه زنان در کشورهای توسعه یافته افزایش یافته است:



Source: OECD Gender Institutions and Development Database (GID-DB), 2019. <https://data.oecd.org/gender/gender-institutions-and-development-database-gid-db>
(OECD, 2023)

گزارش سازمان بهداشت جهانی نشان می‌دهد که حدود یک سوم زنان در جهان قربانی خشونت هستند که این نسبت در اغلب قاره‌های جهان نزدیک به هم است. نقشه ذیل گویای این امر است:



بنا بر این به رغم شکل‌گیری شبکه جهانی دولت‌ها برای تأثیرگذاری در مورد حقوق زنان و نیز به رغم حضور بیشتر زنان تأثیرگذار در سطح بین‌المللی و در سطح کشورها هنوز این مسأله که مسأله‌ای اساسی و ویرانگر است حل نشده و از جامعه بشری رخت بر نبسته است. به عبارتی هماهنگی دولت‌ها در عرصه جهانی نتوانسته به حل و فصل این امر در جامعه بشری بیانجامد و تأثیر مخرب دولت‌ملت‌ها را از میان ببرد. هر چند اسلاتر خود این امر را می‌پذیرد اما به هر حال این پذیرش مبنای نظری او را دچار تزلزل می‌کند.

برجسته شدن مسائل امنیتی

به نظر اسلاتر توجه نکردن به حقوق زنان موجب ایجاد مسائل مهم امنیتی در جهان ما شده است. او می‌نویسد:

امروزه تحقیقات بسیاری ارتباط میان جنسیت و امنیت را تایید کرده‌اند. همچنین وضعیت زنان به صورت انکارناپذیری با قدرت دولتی، ثبات، فساد، رفاه و بسیاری از شاخص‌های دیگر در ارتباط است. به عبارت دیگر در کشورهایی که وضعیت زنان در آنان بد است، ضعف دولتی، بی‌ثباتی و فقر قابل مشاهده است. سیاستمداران نتیجه می‌گیرند که تقویت و پاکیزه کردن دولت از فساد و افزایش رشد اقتصادی وضعیت زنان را بهبود خواهد بخشید اما اگر این مسائل در جهت مخالف پیش برود چه؟ مهم است که زنان را پای میز مذاکره داشته باشیم اما مهم است که بحث درباره زنان نیز به همان اندازه روی میز قرار بگیرد. (Slaughter, Anne-Marrie & Elizabeth Weingarten, 2016)

هم‌چنین اسلاتر با مقدمه‌ای که بر کتاب مشهور توماس شلینگ در مورد امنیت می‌نویسد اذعان می‌کند که مسائل امنیت بین‌الملل در پرتو شبکه‌های جهانی عوض شده‌اند اما هم‌چنان لاینحل باقی مانده‌اند"

هنگامی که شلینگ مقدمه جدیدی بر نسخه ۲۰۲۰ کتاب نوشت، تغییرات بسیار رخ داده از دهه ۱۹۶۰ را مشاهده و اظهار کرد: «هیچکس (تا جایی که می‌دانم) نگران رویارویی هسته‌ای بین روسیه جدید و آمریکا نیست.» چیزی که او کاملاً شگفت‌انگیز می‌دانست - «تحولی که هرکس می‌شناختم تصورش را نمی‌کرد» - ادامه آن چیزی که اکنون تابوی هسته‌ای شده است. تصویر ترسیمی شلینگ این است که پس از تأمل بسیار، امیدوار است تروریست‌های تا حدی باهوش که به سلاح هسته‌ای دست می‌یابند و رهبران دولت‌هایی مانند کره شمالی کتاب تسلیحات و نفوذ را بخوانند و بینش‌های وی در ارزشمندی داشتن سلاح‌های هسته‌ای و استفاده نکردن از آنها را تشخیص دهند. من با او موافق هستم ... اما، تسلیحات و نفوذ درباره چگونگی مبارزه با بسیاری از تهدیدات که نگرانی کارشناسان نظامی و سیاست خارجی است، چیز زیادی برای گفتن ندارد.

تغییرات اقلیمی و همه‌زیان‌های مرتبط با آن برای بسیاری از کشورها و مردمانشان، حتی اگر برای دیگران خیری داشته باشد یا همه‌گیری‌های جهانی، شبکه‌های تروریستی جهانی و شبکه‌های جنایی که اغلب آنها را تغذیه می‌کنند؛ قاچاق مواد مخدر، قاچاق

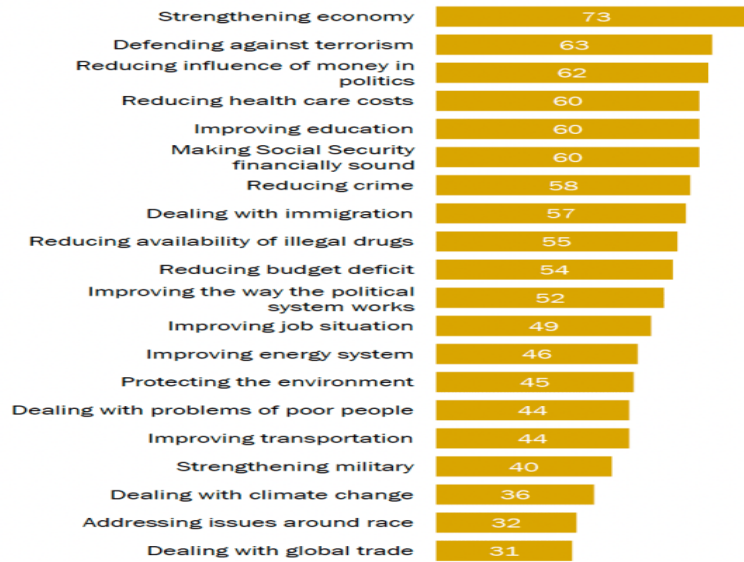
اسلحه و پولشویی. جنگ‌های داخلی وحشتناک که کل مناطق را در بر می‌گیرد، اغلب هنوز با رقابت قدرت‌های بزرگ توسط نیروهای نیابتی دامن زده می‌شود. فساد، تخریب محیط زیست، فقر و ناامیدی که میلیون‌ها نفر را برای رویای زندگی بهتر به سمت کشورهای ثروتمندتر سوق می‌دهد... افراد بدی که آن‌سوی مرزها به هم مرتبطند و افراد خوبی که اینطور نیستند... نخبگانی که ارتباط فشرده و پیوسته با یکدیگر دارند و نه با کسان دیگر. همه افرادی در سرتاسر جهان که ارتباط الکترونیکی به چشم اندازهای زندگی بهتر دارند، اما هیچ امید معنادار یا اقدام عملی برای دستیابی به آن زندگی ندارند. این دنیای شلینگ نیست. (Slaughter A.-M. , 2020, p. ix)

از نظر اسلاتر امنیت و مسائل امنیتی با آن چه نظریه‌پردازان کلاسیک امنیتی مانند توماس شلینگ می‌اندیشیدند بسیار متفاوت است. این که امنیت چیست و چه چیزی آن را به مخاطره می‌اندازد امری است که در ارتباط جهانی میان نخبگان بر ساخته می‌شود. هر چند این تعبیر می‌تواند بخشی از واقعیت جهان را در قرن بیست و یکم میلادی توضیح دهد، اما موجب نشده تا تلقی از امنیت و نیز رفتارهای امنیت‌ساز در میان دولت‌های جهان یکسان شده و تا تحول اساسی یابد. هنوز تلقی از امنیت و راه‌های آفرینش امنیت در جهان در درون دولت‌ها تعیین می‌شود و هنوز نگاه نظامی و سیاسی بر آن حکمفرما است. البته نگرش‌های مردمی در مورد اولویت‌های سیاسی کشورها به طور جدی دگرگون شده است. مثلاً آخرین نظرسنجی‌ها از مردم آمریکا گویای آن است که مردم این کشور مسائل اقتصادی، تروریسم، و مسائل اجتماعی را مهم‌تر از مباحث کلاسیک امنیتی تلقی می‌کنند. جدول ذیل گویای صدق این مدعا است.

با این حال تحلیل محتوای رفتار و سخن دولت‌ها به خصوص دولت‌های بزرگی چون آمریکا و روسیه نشان می‌دهد که آنها هم‌چنان در صدد آنند که بر اساس تلقی کلاسیک از سیاست، رفتارهای بین‌المللی خود را سازمان دهند. حمله روسیه به اوکراین و دفاع تمام عیار آمریکا از اوکراین، تنش میان ایالات متحده و چین در مورد تایوان، دفاع تمامی عیار از خشونت و تروریسم رژیم صهیونیستی در جریان حمله ویرانگر اسرائیل به غزه نمونه‌هایی آشکار از عدم شکل‌گیری مفهوم نوین امنیت در کنش قدرت‌های بزرگ در سطح جهانی است.

Americans' top policy priority this year? Strengthening the economy

% who say ____ should be a top priority for the president and Congress to address this year



Source: Survey of U.S. adults conducted Jan. 16-21, 2024.

PEW RESEARCH CENTER

(PEW, 2024)

هوش مصنوعی و برهه پاگوش

آن ماری اسلاتر و فادی چهاده در نوشته‌ای به اهمیت برجسته هوش مصنوعی در شبکه‌های جهانی توجه می‌کنند و حتی معتقدند که یک جنبش فکری سیاسی جدید مانند جنبش پاگوش که برای مقاله با خطرات ناشی از سلاح هسته‌ای به وجود آمد لازم است تا بتواند برای مدیریت مسائل ناشی از گسترش هوش مصنوعی چاره‌اندیشی کند.

۶۶ سال پیش، ۲۲ دانشمند برجسته از ده کشور جهان از جمله ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی، در شهر پاگوش، استان نوا اسکوشیای کانادا، گرد هم آمدند تا خطرات ناشی از سلاح‌های هسته‌ای را شناسایی کنند و به روش‌های صلح‌آمیزی برای حل و فصل منازعات بین کشورها برسند. با این حرکت، سازمان بین‌المللی معروف به کنفرانس‌های پاگوش در امور علمی و جهانی یا جنبش پاگوش متولد شد. اگرچه جهان‌عاری از سلاح‌های هسته‌ای تقریباً محال است، اما تلاش‌های این جنبش برای مبارزه با خلع سلاح

هسته‌ای به اندازه‌ای مؤثر بود که جایزه صلح نوبل را در سال ۱۹۹۵ به دست آورد. امروز جهان نیازمند یک جنبش پاگواش جدید است که این بار باید بر هوش مصنوعی متمرکز باشد. برخلاف تسلیحات هسته‌ای، هوش مصنوعی به همان اندازه که خطر دارد، امیدبخش نیز هست، و ظرفیت تخریبگری آن هنوز بیشتر در سطح تئوری است تا واقعیت. (آن ماری اسلاتر و ماری چهاده، ۱۴۰۳)

آنتونیو گوترش، دبیرکل سازمان ملل متحد، خواستار "چندجانبه‌گرایی شبکه‌ای"^۵ شده است که، در قالب آن، سازمان ملل و «مؤسسات مالی بین‌المللی، سازمان‌های منطقه‌ای، بلوک‌های تجاری و امثالهم» -از جمله بسیاری از نهادهای غیردولتی- «با هم نزدیک‌تر و مؤثرتر کار می‌کنند». اما برای اثربخشی این طرح، چنین شبکه‌های چندذی‌نفعی باید در جهت تحقق کارکردهای معینی طراحی شوند.... درست مثل هیئت بین‌دولتی تغییرات اقلیمی که بر خطر وجودی تغییرات اقلیمی نظارت می‌کند. درواقع، دیده‌بان جهانی هوش مصنوعی، که "طرح ابتکاری هوش مصنوعی و برابر" را پیشنهاد داده، آشکارا نوعی الگوبرداری از کار هیئت بین‌دولتی تغییرات اقلیمی بوده و اساساً شبکه‌ای از شبکه‌هاست که در انباشتن دانش از منابع مختلف بسیار خوب عمل می‌کند. ..برای اداره هوش مصنوعی، یک نهاد چندجانبه سلسله‌مراتبی با قدرت تصمیم‌گیری و اجرایی -مانند شورای امنیت سازمان ملل متحد- همچنان مورد نیاز است. پیشنهاد اسلاتر در مورد فناوری‌های نوین نیز شکل دادن به یک شبکه کارآمد جهانی است. او معتقد است:

"در مورد گسترش فناوری سودمند (که برای اکثر مردم به اندازه جلوه‌گیری از آسیب مهم است)، احتمالاً شبکه ترکیبی نوآوری-همکاری بهترین عملکرد را دارد. شبکه‌های نوآوری معمولاً شامل تعداد زیادی گره‌های دور از هم -برای اطمینان از دسترسی به بیشترین منابع ممکن ایده‌ها و اقدامات جدید- و چند هاب است که تمرکزش بر تبدیل ایده‌ها به عمل، همکاری در بهترین اقدامات و جلوه‌گیری از استثمار است.... ما یک شبکه

چندقطبی (مالتی‌هاب) که توزیع وسیع‌تری در سطح جهان دارد را پیشنهاد می‌کنیم تا از آنچه "حاکمیت جهانی دیجیتال" می‌نامیم پشتیبانی کند."

"مدل ما مبتنی بر تشکیلات توزیع‌شده و سیستم حاکمیتی مشترک است که در سطحی گسترده به حفظ ثبات و انعطاف‌پذیری اینترنت کمک می‌کند" (آن ماری اسلاتر و ماری جهاده, ۱۴۰۳).

نتیجه‌گیری

بررسی اجمالی انجام گرفته در این مقاله نشان داد که آن ماری اسلاتر نگرش و دیدگاه نوینی در مورد نقش و شیوه نقش‌آفرینی دولت در عصر جهانی ارائه داده که عنوان دولت ناپیوسته برای آن بسیار گویا است. این دیدگاه جدید می‌تواند بسیاری از پدیده‌ها و تحولات نوین جهان را توضیح دهد و چارچوب نظری تازه‌ای برای تبیین دولت به دست دهد. با این حال مفهوم و نظریه‌ای که اسلاتر ارائه می‌دهد هر چند با بسیاری از تحولات در حال وقوع هماهنگ است و پنجره جدیدی برای فهم آنها می‌گشاید اما هنوز نمی‌تواند تمامی ابعاد واقعی دولت و دنیای سیاست را توضیح دهد و بسیاری از جریان‌ها و واقعیت‌های سیاسی جدید در قالب این نظریه قابل تبیین نیستند. آمار و نمونه‌های ارائه شده در این مقاله آشکار ساخت که هرچند جوانه‌های اولیه پدیده دولت ناپیوسته دیده می‌شود اما هنوز به طور کامل تحقق نیافته است. دولت‌ها در اکثر زمینه‌ها به شدت از شبکه‌های جهانی دولتی تأثیر می‌پذیرند، اما حضور آنها در بطن این شبکه‌ها به دگرگونی ماهوی آنها منجر نشده است. این چارچوب نظری هر چند هنوز با واقعیت به طور کامل منطبق نیست اما دریچه‌ای جدید برای نگاه به تحولات جهانی گشوده است که می‌تواند ما را در فهم پدیده دولت در جهان پیش رو یاری کند.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

ORCID

Hosein Salimi



<https://orcid.org/0000-0002-9330-4606>

منابع

ونت، ا. (۱۴۰۱). چرا دولت جهانی اجتناب‌ناپذیر است؟ (ح. سليمي، مترجم). تهران: انتشارات علمی.

References

AJN. (2023, 6 1). *The African Judicial Network*. Retrieved from <https://ceeliinstitute.org/networks/the-african-judicial-network>

BIRN. (2022, 9 15). *NATO Boosts Forces in East to Deter Russian Menace*. Retrieved from Democracy Report: <https://balkaninsight.com/2022/06/14/nato-boosts-forces-in-east-to-deter-russian-menace/>

Castells, M. (2000). (2000a). *Toward a Sociology of the Network Society. Contemporary*. Washington: J. Hopkins.

Catells, M. (1999). Information Technology, Globalization and Social Development. *United Nations Research Institute for Social Development, Discussion 104*. New York: United Nations.

CEELI. (2023, 5 1). *The Central and Eastern European Judicial Exchange Network*. Retrieved from [ceeliinstitute.org: https://ceeliinstitute.org/networks/the-central-and-eastern-european-judicial-exchange-network](https://ceeliinstitute.org/networks/the-central-and-eastern-european-judicial-exchange-network)

Joseph Nye & Robert Keohane. (2012). *Power and Interdependence* (4th ed.). New York: Longman.

OECD. (2023, 9 1). *Violence against women*. Retrieved from Gender, Institutions and Development Database (GID-DB) 2023: Gender, Institutions and Development Database (GID-DB) 2023

PEW. (2024, 2 29). *Americans' Top Policy Priority for 2024: Strengthening the Economy*. Retrieved from Pew Research Center: <https://www.pewresearch.org/politics/2024/02/29/americans-top-policy-priority-for-2024-strengthening-the-economy/>

- Robert Keohane & Joseph Nye. (2000). Globalization; what is new? what is not? (and so what?). *Foreign Policy*.
- Slaughter, A.-M. (2004). *A New World Order*. Princeton: Princeton University Press.
- Slaughter, A.-M. (2020). Introduction. In T. C. Schelling, *Arms and Influence*. New Haven: Yale University.
- Slaughter, Anne-Marrie & Elizabeth Weingarten. (2016, 10 1). *A National Security Blind Spot*. Retrieved from Project Syndicate: <https://www.project-syndicate.org/commentary/gender-and-national-security-by-anne-marie-slaughter-and-elizabeth-weingarten-2016-10>
- WHO. (2024, March 25). *Violence against women*. Retrieved from World Health Organization: <https://www.who.int/news-room/fact-sheets/detail/violence-against-women>
- WTO. (2024, 6 1). *World Trade Report*. Retrieved from World Trade Organization: https://www.wto.org/english/res_e/booksp_e/wtr24_e/wtr24_ch0c_e.pdf
- Slaughter, Anne-Marrie & Chehade Mary, Pagush Period. Who must rule AI. 2025: <https://tarjomaan.com/%DA%86%D9%87-%DA%A9%D8%B3%DB%8C-%D8%A8%D8%A7%DB%8C%D8%AF-%D8%A8%D8%B1%D9%87%D9%88%D8%B4%D9%85%D8%B5%D9%86%D9%88%D8%B9%DB%8C%D9%81%D8%B1%D9%85%D8%A7%D9%86-%D8%A8%D8%B1%D8%A7%D9%86%D8%AF%D8%9F/>

Translated References into English

- A.Wendt. (2023). Why World State is Inevitable, Translation to Persian: H. Salimi, Tehran: Elmi, [In Persian]

استناد به این مقاله: سلیمی، حسین. (۱۴۰۳). شبکه‌های جهانی دولت‌ها و تحول کارکرد دولت؛ آزمون نظریه آن ماری اسلاتر. دولت‌پژوهی، ۱۰(۴۰)، ۱-۳۲. doi: 10.22054/tssq.2025.82957.1592



The State Studies Quarterly is licensed under a Creative Commons Attribution-Non Commercial 4.0 International License